اصطلاحات تجاری انگلیسی؛ 120 اصطلاح پرکاربرد

آموزشگاه زبان ملل

در دنیای کسب‌وکار، گاهی یک اصطلاح کوتاه می‌تواند مسیر یک جلسه را تغییر دهد یا به شما کمک کند پیشنهادتان را حرفه‌ای‌تر مطرح کنید. فرقی نمی‌کند مدیر یک مجموعه باشید، در بخش فروش کار کنید یا به فکر همکاری با شرکت‌های خارجی باشید، آشنایی با اصطلاحات تجاری انگلیسی ارتباط با همکاران و مشتریان را آسان‌تر می‌کند. در ادامه، ۱۲۰ عبارت و لغات تجاری انگلیسی را همراه با معنی و توضیح یاد می‌گیرید تا بتوانید آن‌ها را در موقعیت‌های واقعی به کار ببرید.

اصطلاحات عمومی کسب‌وکار در زبان انگلیسی

اصطلاحات عمومی کسب‌وکار، پایه ارتباط در محیط‌های حرفه‌ای هستند. این لغات تجاری انگلیسی را در ایمیل‌ها، گزارش‌ها، گفت‌وگوهای کاری و حتی معرفی یک ایده جدید می‌شنوید. یادگیری آن‌ها کمک می‌کند منظور دیگران را سریع‌تر بفهمید و دیدگاه خود را واضح‌تر بیان کنید. برای شروع، لازم نیست همه عبارت‌ها را یک‌جا حفظ کنید. می‌توانید با آموزش رایگان زبان انگلیسی و تمرین روزانه چند اصطلاح، دایره لغات تجاری انگلیسی خود را گسترش دهید.

اصطلاح انگلیسی	معنی فارسی	توضیح و کاربرد
Business plan	طرح کسب‌وکار	برنامه‌ای برای اهداف، منابع و مسیر رشد یک کسب‌وکار
Business partner	شریک تجاری	فرد یا شرکتی که با شما همکاری تجاری دارد
Target market	بازار هدف	گروهی از مشتریان که محصول برای آن‌ها طراحی شده است
Business strategy	راهبرد کسب‌وکار	برنامه کلی برای رسیدن به اهداف تجاری
Competitive advantage	مزیت رقابتی	ویژگی‌ای که یک کسب‌وکار را از رقبا متمایز می‌کند
Market share	سهم بازار	درصدی از بازار که در اختیار یک شرکت است
Business opportunity	فرصت تجاری	موقعیتی که امکان رشد یا کسب درآمد ایجاد می‌کند
Value proposition	پیشنهاد ارزش	دلیلی که نشان می‌دهد چرا مشتری باید محصول شما را انتخاب کند
Decision-making	تصمیم‌گیری	فرایند انتخاب یک راه از میان چند گزینه
Problem-solving	حل مسئله	پیدا کردن راه‌حل برای یک مشکل کاری
Business model	مدل کسب‌وکار	روشی که یک شرکت بر اساس آن ارزش ایجاد می‌کند و درآمد به دست می‌آورد

Key performance indicator (KPI)	شاخص کلیدی عملکرد	معیاری برای سنجش میزان پیشرفت و عملکرد
Deliverable	خروجی قابل تحویل	نتیجه مشخصی که باید در پایان یک پروژه ارائه شود
Workflow	گردش کار	ترتیب مراحل انجام فعالیت‌ها
Productivity	بهره‌وری	میزان خروجی مفید نسبت به منابع و زمان مصرف‌شده
Growth strategy	راهبرد رشد	برنامه‌ای برای توسعه کسب‌وکار

اصطلاحات جلسات و ارتباطات کاری

بخش مهمی از ارتباطات حرفه‌ای در جلسات، تماس‌ها و گفت‌وگوهای کاری شکل می‌گیرد. در چنین موقعیت‌هایی، دانستن اصطلاحات مناسب به شما کمک می‌کند نظرتان را مطرح کنید، از دیگران سوال بپرسید و درباره تصمیم‌های گروهی صحبت کنید. این عبارت‌ها در جلسات آنلاین و حضوری کاربرد دارند و باعث می‌شوند ارتباط شما طبیعی‌تر باشد. با آموزش زبان انگلیسی آنلاین هم می‌توانید مکالمات کاری را تمرین کنید و برای حضور در جلسات بین‌المللی آماده‌تر شوید.

عبارت‌های رایج در جلسه

در یک جلسه کاری ممکن است لازم باشد بحثی را شروع کنید، از همکاران نظر بخواهید، با پیشنهادی موافقت کنید یا موضوع را به بخش دیگری ببرید. برای انجام این کارها، حفظ کردن جمله‌های کوتاه و پرکاربرد بسیار مفید است. عبارت‌های زیر به شما کمک می‌کنند بدون اینکه لازم باشد جملات پیچیده‌ای بسازید، منظور خود را بیان کنید. بهتر است هر عبارت را در یک موقعیت واقعی تمرین کنید (منظورمان این است که در ذهن، موقعیت را تصور کنید).

اصطلاح انگلیسی	معنی فارسی	توضیح و کاربرد
.Let's get started	بیایید شروع کنیم.	برای آغاز جلسه
.Let's get down to business	بیایید سر اصل مطلب برویم.	برای شروع بحث اصلی
?What's on the agenda	دستور جلسه چیست؟	برای پرسیدن موضوعات جلسه
.Let's move on to the next point	به موضوع بعدی برویم.	برای تغییر موضوع
.I'd like to add something	می‌خواهم نکته‌ای اضافه کنم.	برای مطرح کردن نظر جدید
?Could you clarify that	ممکن است آن را روشن‌تر توضیح دهید؟	برای رفع ابهام
?What do you think	نظر شما چیست؟	برای دریافت نظر دیگران

I agree with you.	با شما موافقم.	برای اعلام موافقت
I see your point.	منظورتان را متوجه می‌شوم.	برای نشان دادن درک دیدگاه فرد
I have a different opinion.	نظر متفاوتی دارم.	برای بیان محترمانه مخالفت
Let's brainstorm some ideas.	بیایید چند ایده مطرح کنیم.	برای شروع ایده‌پردازی گروهی

اصطلاحات ارتباط با همکاران

ارتباط روزمره با همکاران فقط به جلسات رسمی محدود نمی‌شود. هماهنگی وظایف، درخواست کمک، پیگیری کارها و ارائه بازخورد هم بخشی از زندگی کاری هستند. استفاده از عبارت‌های مناسب کمک می‌کند درخواست‌هایتان روشن و محترمانه باشند و احتمال سوءتفاهم کاهش پیدا کند. این اصطلاحات برای چه افرادی کاربردی هستند؟ برای کسانی که در شرکت‌های بین‌المللی کار می‌کنند یا با همکاران خارجی در ارتباط هستند. آن‌ها را در پیام‌ها، ایمیل‌ها و مکالمات روزمره تمرین کنید.

اصطلاح انگلیسی	معنی فارسی	توضیح و کاربرد
Keep me posted.	من را در جریان بگذارید.	برای دریافت به‌روزرسانی
Let me know.	به من اطلاع بدهید.	برای درخواست اطلاع‌رسانی
I'll get back to you.	بعداً به شما پاسخ می‌دهم.	وقتی برای پاسخ به زمان نیاز دارید
Could you give me a hand?	می‌توانید به من کمک کنید؟	برای درخواست کمک
I'll take care of it.	رسیدگی به آن را بر عهده می‌گیرم.	برای قبول مسئولیت
Let's touch base.	بیایید هماهنگی کوتاهی داشته باشیم.	برای پیگیری و تبادل اطلاعات
Thanks for the update.	بابت اطلاع‌رسانی ممنونم.	برای قدردانی از ارائه اطلاعات جدید
I appreciate your help.	از کمکتان قدردانی می‌کنم.	برای تشکر حرفه‌ای
Could you send me the file?	ممکن است فایل را برایم بفرستید؟	برای درخواست فایل
I'm working on it.	دارم روی آن کار می‌کنم.	برای اعلام وضعیت کار
I'll keep you in the loop.	شما را در جریان امور می‌گذارم.	برای وعده اطلاع‌رسانی مستمر
That works for me.	برای من مناسب است.	برای اعلام موافقت با یک پیشنهاد

اصطلاحات فروش و بازاریابی در زبان انگلیسی

فروش و بازاریابی دو بخش مهم هر کسب‌وکار هستند، اما هرکدام اصطلاحات ویژه خود را دارند. در فروش، بیشتر با مشتری، قیمت‌گذاری، سفارش و تبدیل مخاطب به خریدار سروکار دارید. در بازاریابی، موضوعاتی مانند شناخت بازار، تبلیغات، جذب مخاطب و معرفی محصول اهمیت بیشتری پیدا می‌کنند. آشنایی با این لغات تجاری انگلیسی کمک می‌کند گزارش‌های حرفه‌ای را بهتر بخوانید، عملکرد کمپین‌ها را درک کنید و در گفت‌وگوهای کاری دقیق‌تر صحبت کنید. بیایید نگاهی به مهم‌ترین اصطلاحات فروش و بازاریابی داشته باشیم.

اصطلاحات فروش

اگر در بخش فروش کار می‌کنید، احتمالاً بارها درباره مشتریان، پیشنهاد قیمت، سفارش و درآمد صحبت می‌کنید. دانستن لغات تجاری انگلیسی مرتبط با فروش کمک می‌کند مکالمات با مشتریان خارجی را بهتر مدیریت کنید و گزارش‌های فروش را راحت‌تر بخوانید. برخی عبارت‌ها به مراحل جذب مشتری اشاره دارند و برخی دیگر برای بیان نتیجه معامله به کار می‌روند. جدول زیر مجموعه‌ای از اصطلاحات کاربردی است که می‌توانید در مکالمات روزمره و گزارش‌های کاری از آن‌ها استفاده کنید.

اصطلاح انگلیسی	معنی فارسی	توضیح و کاربرد
Sales target	هدف فروش	میزان فروشی که باید در یک دوره به آن رسید
Sales pitch	معرفی متقاعدکننده محصول	توضیحی برای ترغیب مشتری به خرید
Lead generation	جذب سرنخ فروش	شناسایی افراد یا شرکت‌های علاقه‌مند به محصول
Potential customer	مشتری بالقوه	فردی که ممکن است در آینده خرید کند
Conversion rate	نرخ تبدیل	درصد افرادی که اقدام مورد نظر را انجام می‌دهند (مثلا تعداد افرادی که از مشاوره به خرید رسیده باشند)
Customer retention	حفظ مشتری	توانایی کسب‌وکار در نگه داشتن مشتریان
Upselling	فروش محصول گران‌تر یا پیشرفته‌تر	تشویق مشتری به انتخاب نسخه گران‌تر محصول
Cross-selling	فروش مکمل	پیشنهاد محصول مرتبط با خرید اصلی
Closing a deal	نهایی کردن معامله	رسیدن به توافق نهایی برای فروش
Sales revenue	درآمد فروش	درآمد حاصل از فروش کالا یا خدمات
Purchase order	سفارش خرید	سند رسمی درخواست خرید کالا یا خدمات

Quotation	پیش‌فاکتور یا پیشنهاد قیمت	اعلام قیمت و شرایط پیشنهادی به مشتری/ پیشنهاد قیمت
Discount	تخفیف	کاهش قیمت اصلی محصول یا خدمات
Profit margin	حاشیه سود	نسبت سود به درآمد فروش، معمولاً به صورت درصد
Customer relationship management (CRM)	مدیریت ارتباط با مشتری	روش‌ها و ابزارهای مدیریت اطلاعات و تعامل با مشتری

اصطلاحات بازاریابی

بازاریابی به شما کمک می‌کند مخاطبان مناسب را پیدا کنید، نیازهای آن‌ها را بشناسید و محصول یا خدمات خود را با کیفیت بالاتری معرفی کنید. در این حوزه، اصطلاحاتی مانند بازار هدف، هویت برند، کمپین تبلیغاتی و نرخ تعامل کاربرد زیادی دارند. بسیاری از این عبارت‌ها را در ابزارهای دیجیتال مارکتینگ، گزارش‌های شبکه‌های اجتماعی و جلسات برنامه‌ریزی می‌بینید. یادگیری آن‌ها در کنار سایر اصطلاحات تجاری انگلیسی به شما کمک می‌کند عملکرد فعالیت‌های بازاریابی را بهتر تحلیل کنید و درباره نتایج آن‌ها دقیق‌تر حرف بزنید.

اصطلاح انگلیسی	معنی فارسی	توضیح و کاربرد
Marketing strategy	راهبرد بازاریابی	برنامه کلی برای رسیدن به اهداف بازاریابی
Brand awareness	آگاهی از برند	میزان شناخت مخاطبان از یک برند
Target audience	مخاطب هدف	گروهی که پیام بازاریابی برای آن طراحی شده است
Marketing campaign	کمپین بازاریابی	مجموعه فعالیت‌های هماهنگ برای رسیدن به هدف مشخص
Content marketing	بازاریابی محتوایی	جذب مخاطب از طریق محتوای ارزشمند
Digital marketing	بازاریابی دیجیتال	بازاریابی از طریق کانال‌ها و ابزارهای دیجیتال
Search engine optimization (SEO)	بهینه‌سازی برای موتورهای جست‌وجو	بهبود دیده شدن صفحات سایت در نتایج جست‌وجو
Call to action (CTA)	دعوت به اقدام	عبارتی که مخاطب را به انجام کاری مشخص دعوت می‌کند

Engagement rate	نرخ تعامل	میزان تعامل مخاطبان با محتوا نسبت به یک مبنای مشخص
Brand identity	هویت برند	ویژگی‌های بصری و کلامی متمایزکننده برند
Customer journey	مسیر مشتری	مراحلی که مشتری از آشنایی تا خرید و پس از آن طی می‌کند
Market research	تحقیقات بازار	جمع‌آوری اطلاعات درباره بازار، مشتریان و رقبا
Unique selling proposition (USP)	مزیت فروش منحصربه‌فرد	ویژگی متمایزی که محصول را از رقبا جدا می‌کند
Email marketing	بازاریابی ایمیلی	ارتباط بازاریابی با مخاطبان از طریق ایمیل
Influencer marketing	بازاریابی از طریق اینفلوئنسرها	معرفی محصول با کمک افراد تاثیرگذار

اصطلاحات مالی و اقتصادی در زبان انگلیسی

اصطلاحات مالی و اقتصادی در گزارش‌های شرکت، صورت‌های مالی، بودجه‌بندی و تصمیم‌های سرمایه‌گذاری بسیار دیده می‌شوند. اگر با این عبارات آشنا باشید، تفاوت درآمد، سود، هزینه و جریان نقدی را بهتر درک کنید. این مفاهیم حتی برای افرادی که مستقیماً در بخش مالی کار نمی‌کنند هم مفیدند، چون تصمیم‌های تجاری معمولاً با منابع مالی و هزینه‌ها ارتباط دارند.

اصطلاح انگلیسی	معنی فارسی	توضیح و کاربرد
Revenue	درآمد	مبلغ حاصل از فعالیت‌های اصلی کسب‌وکار پیش از کسر هزینه‌ها
Net profit	سود خالص	مبلغ باقی‌مانده پس از کسر هزینه‌ها و اقلام مربوط
Gross profit	سود ناخالص	درآمد فروش پس از کسر بهای تمام‌شده کالای فروخته شده
Operating costs	هزینه‌های عملیاتی	هزینه‌های مربوط به فعالیت روزمره کسب‌وکار
Cash flow	جریان نقدی	ورود و خروج وجه نقد در یک دوره
Budget	بودجه	برنامه مالی برای درآمدها و هزینه‌های پیش‌بینی شده

Forecast	پیش‌بینی	برآورد وضعیت مالی یا اقتصادی آینده
Balance sheet	ترازنامه	گزارشی از دارایی‌ها، بدهی‌ها و حقوق صاحبان سهام
Income statement	صورت سود و زیان	گزارشی از درآمدها، هزینه‌ها و سود یا زیان در یک دوره
Assets	دارایی‌ها	منابع اقتصادی تحت کنترل شرکت
Liabilities	بدهی‌ها	تعهدات مالی شرکت در برابر دیگران
Equity	حقوق صاحبان سهام	سهم مالکان از دارایی‌های شرکت پس از کسر بدهی‌ها
Investment	سرمایه‌گذاری	اختصاص منابع با هدف کسب منفعت در آینده
Capital	سرمایه	منابع مالی یا دارایی‌های مورد استفاده برای فعالیت اقتصادی
Break-even point	نقطه سربه‌سر	سطحی از فروش که در آن درآمد و هزینه کل برابرند
Return on investment (ROI)	بازگشت سرمایه	معیاری برای ارزیابی بازده یک سرمایه‌گذاری نسبت به هزینه آن

اصطلاحات مذاکره و قرارداد در انگلیسی

در مذاکره‌های کاری، انتخاب عبارت مناسب می‌تواند به روشن شدن خواسته‌ها و رسیدن به توافق کمک کند. گاهی لازم است درباره قیمت صحبت کنید، برای تغییر یک شرط پیشنهاد بدهید یا با بخشی از توافق مخالفت کنید. پس از رسیدن به توافق هم باید از مفاد قرارداد اطمینان حاصل کنید. در این مرحله، تفاوت میان یک پیشنهاد اولیه و تعهد قراردادی اهمیت زیادی دارد. اصطلاحات این بخش برای صاحبان کسب‌وکار، کارشناسان فروش، مدیران و افرادی که با شرکت‌های خارجی همکاری می‌کنند کاربردی هستند.

اصطلاحات مذاکره

مذاکره صرفا چانه‌زنی بر سر قرارداد نیست. مذاکره شامل بررسی نیازها، مطرح کردن پیشنهادها، حل اختلاف‌ها و پیدا کردن راه حلی است که طرفین بتوانند آن را بپذیرند. استفاده از عبارت‌های مناسب باعث می‌شود خواسته خود را روشن بیان کنید و در عین حال، لحن حرفه‌ای خود را حفظ کنید. اصطلاحات زیر در جلسات مذاکره، گفت‌وگو با مشتریان و توافق‌های تجاری کاربرد دارند.

اصطلاح انگلیسی	معنی فارسی	توضیح و کاربرد
Let's make a deal.	بیایید به توافق برسیم.	برای پیشنهاد نهایی کردن توافق

Reach an agreement	به توافق رسیدن	زمانی که طرفین بر سر موضوعی موافقت می‌کنند
Make an offer	پیشنهاد دادن	برای ارائه یک پیشنهاد تجاری
Counteroffer	پیشنهاد متقابل	پیشنهادی جدید در پاسخ به پیشنهاد طرف مقابل
Negotiate the price	مذاکره بر سر قیمت	برای بررسی و تغییر قیمت پیشنهادی
Terms and conditions	شرایط و ضوابط	مجموعه شرایط حاکم بر توافق
Win-win situation	موقعیت برد-برد	وضعیتی که هر دو طرف از نتیجه سود می‌برند
Find common ground	پیدا کردن نقاط مشترک	برای یافتن زمینه توافق
Make a concession	امتیاز دادن	پذیرفتن تغییر یا چشم‌پوشی از بخشی از خواسته‌ها
Meet halfway	به توافق میانه رسیدن	وقتی هر دو طرف بخشی از خواسته خود را تعدیل می‌کنند

اصطلاحات قرارداد

در قراردادهای تجاری، هر کلمه‌ای که به زبان بیاورید ممکن است بر مسئولیت‌ها، حقوق یا تعهدات طرفین تأثیر بگذارد. پس بهتر است اصطلاحات رایج قرارداد را بشناسید و هنگام مطالعه اسناد انگلیسی، به معنای دقیق آن‌ها توجه کنید. عبارت‌هایی مانند مدت قرارداد، بند محرمانگی و فسخ قرارداد در اسناد مختلف دیده می‌شوند. جدول زیر برای آشنایی اولیه با این اصطلاحات تهیه شده است؛ با این حال، معنی و اثر حقوقی هر بند به متن کامل قرارداد و قانون حاکم بستگی دارد.

اصطلاح انگلیسی	معنی فارسی	توضیح و کاربرد
Contract	قرارداد	توافقی که حقوق و تعهدات طرفین را مشخص می‌کند
Agreement	توافق‌نامه	توافق میان دو یا چند طرف؛ آثار حقوقی آن به شرایط بستگی دارد
Contract terms	مفاد قرارداد	شرایط و تعهدات مندرج در قرارداد
Clause	بند قرارداد	بخش مشخصی از متن قرارداد
Confidentiality clause	بند محرمانگی	بندی برای تعیین نحوه حفاظت از اطلاعات محرمانه

Non-disclosure agreement (NDA)	توافق‌نامه عدم افشای اطلاعات	توافقی برای محدود کردن افشای اطلاعات مشخص
Breach of contract	نقض قرارداد	رعایت نکردن تعهدات قراردادی
Termination clause	بند خاتمه قرارداد	بندی که شرایط پایان قرارداد را مشخص می‌کند
Effective date	تاریخ لازم‌الاجرا شدن	تاریخی که قرارداد یا مفاد آن از آن زمان اجرا می‌شوند
Expiration date	تاریخ انقضا	تاریخی که اعتبار قرارداد یا یک مجوز پایان می‌یابد
Renewal	تمدید	ادامه اعتبار قرارداد برای دوره‌ای دیگر
Liability	مسئولیت حقوقی	مسئولیتی که ممکن است طبق قرارداد یا قانون ایجاد شود
Indemnification	جبران خسارت	تعهد به جبران برخی خسارت‌ها یا هزینه‌ها طبق شرایط مربوط
Force majeure	قوه قاهره	رویدادهای خارج از کنترل طرفین که ممکن است بر اجرای تعهدات اثر بگذارند
Dispute resolution	حل و فصل اختلاف	روش رسیدگی به اختلاف‌های ناشی از قرارداد

اصطلاحات تجارت بین‌الملل در انگلیسی

در تجارت بین‌الملل، شرکت‌ها با مشتریان، تأمین‌کنندگان و شرکای تجاری کشورهای مختلف همکاری می‌کنند. در این فرآیند، اصطلاحاتی درباره واردات، صادرات، حمل‌ونقل، گمرک، اسناد تجاری و پرداخت‌های بین‌المللی به کار می‌روند. آشنایی با این عبارات کمک می‌کند ایمیل‌های کاری را بهتر درک کنید و درباره سفارش‌ها یا محموله‌ها دقیق‌تر صحبت کنید. فراموش نکنید که بعضی اصطلاحات، مانند Incoterms، معنای تخصصی و قواعد مشخصی دارند، بنابراین موقع استفاده از آن‌ها باید شرایط قرارداد را هم بررسی کنید.

اصطلاح انگلیسی	معنی فارسی	توضیح و کاربرد
International trade	تجارت بین‌الملل	خریدوفروش کالا و خدمات میان کشورها
Import	واردات	خرید کالا یا خدمات از کشور دیگر
Export	صادرات	فروش کالا یا خدمات به کشور دیگر
Import duty	حقوق ورودی	عوارض یا مالیات گمرکی مرتبط با واردات، طبق مقررات مربوط

Customs clearance	ترخیص گمرکی	طی کردن تشریفات لازم برای آزادسازی کالا از گمرک
Bill of lading	بارنامه دریایی	سند حمل دریایی که دریافت کالا و شرایط حمل را ثبت می‌کند
Commercial invoice	فاکتور تجاری	سندی شامل اطلاعات کالا، فروشنده، خریدار و مبلغ معامله
Packing list	فهرست بسته‌بندی	سندی که محتویات، تعداد و مشخصات بسته‌ها را نشان می‌دهد
Certificate of origin	گواهی مبدأ	سندی که کشور مبدأ کالا را مشخص می‌کند
Letter of credit (L/C)	اعتبار اسنادی	تعهد بانکی برای پرداخت در صورت رعایت شرایط و ارائه اسناد مقرر
Advance payment	پرداخت پیشاپیش	پرداخت مبلغ قبل از تحویل کالا یا ارائه خدمت
Open account	حساب باز	روشی که در آن کالا پیش از پرداخت در اختیار خریدار قرار می‌گیرد
Freight	کرایه حمل	هزینه حمل کالا
Freight forwarder	شرکت یا کارگزار حمل‌ونقل بین‌المللی	هماهنگ‌کننده حمل کالا و خدمات مرتبط
Shipment	محموله یا ارسال کالا	کالاهایی که برای حمل فرستاده می‌شوند یا فرایند ارسال آن‌ها

روش یادگیری اصطلاحات تجاری انگلیسی

برای یادگیری ماندگار اصطلاحات تجاری انگلیسی، بهتر است به جای اینکه یک فهرست طولانی را حفظ کنید، هر عبارت را در یک موقعیت واقعی به کار ببرید. وقتی معنی، کاربرد و لحن مناسب یک اصطلاح را بدانید، استفاده از آن در جلسات و مکاتبات کاری آسان‌تر می‌شود. برای رسیدن به این هدف، چند روش ساده را در برنامه روزانه خود قرار دهید:

- **اصطلاحات را دسته‌بندی کنید:** عبارت‌های مربوط به فروش، جلسات و امور مالی را جداگانه یاد بگیرید تا ارتباط میان آن‌ها را بهتر درک کنید.
- **برای هر عبارت مثال بسازید:** اصطلاح را در یک جمله مرتبط با شغل یا موقعیت کاری خود به کار ببرید.
- **مکالمه تمرین کنید:** با یک دوست یا همکار، جلسه کاری یا مذاکره فرضی برگزار کنید و عبارت‌های جدید را به کار ببرید.
- **ایمیل‌های انگلیسی بخوانید:** نمونه ایمیل‌های حرفه‌ای کمک می‌کنند کاربرد طبیعی عبارت‌ها را در متن ببینید.

- **مرور فاصله‌دار داشته باشید:** اصطلاحات را در فاصله‌های زمانی مشخص مرور کنید تا بهتر در حافظه بمانند.
- **از اصطلاحات در محیط کار استفاده کنید:** هر بار چند عبارت را در پیام، گزارش یا گفت‌وگوی کاری به کار ببرید و به بازخورد دیگران توجه کنید.